

## فلسفه بعثت پیامبر خدا(ص) در قرآن

فرشته معتمد لنگرودی

پس از شناخت پیامبر خدا(ص)، مهمترین مسئله در زمینه معرفت شخصیت پیامبر اعظم، آشنایی با فلسفه بعثت اوست.

فلسفه بعثت پیامبر خاتم، در اساس با فلسفه بعثت پیامبران تفاوتی ندارد. تنها تفاوت این است که ایشان برنامه سایر پیامبران را تکمیل کرده و بدین جهت، نبوت به ایشان ختم گردیده است. با عنایت به این نکته، می توان فلسفه بعثت از نگاه قرآن را در دو عنوان که حاکی از یک واقعیت‌اند بیان کرد:

۱. دعوت به خدا

۲. تکامل انسان

### دعوت به خدا

دعوت به خدا، جامع‌ترین فلسفه بعثت همه انبیای الهی است، این دعوت، در واقع، همان دعوت به پیمودن راه خدا، و عمل کردن براساس دین اسلام، یعنی برنامه تکامل انسان است که ضامن تأمین حیات مادی و معنوی





اوست. از این رو، تعبیرهایی مانند: «قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا و من اتبعني؛ بگو این است راه من، که من و هر کس پیروی‌ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم» (سوره یوسف، آیه ۱۰۸) و «ادع الى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن» (سوره نحل، آیه ۱۲۵) و «استجيبوا لله وللرسول اذا دعاكم لما يحييكم؛ خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد» (سوره انفال، آیه ۲۴) و امثال این آیات در مورد فلسفهٔ بعثت، اشاره به یک واقعیت یعنی دعوت خداوند، از زوایای گوناگون دارد.

به تعبیر دیگر، فلسفهٔ بعثت همهٔ انبیای الهی، و سرآمد آنان، پیامبر خاتم، این است که مردم را با راه رسیدن به کمال مطلق، آشنا کنند تا آنان با پیمودن این راه، ضمن تأمین نیازهای مادی و معنوی خود، به لقاء الله که مقصد نهایی حرکت تکاملی انسان است دست یابند. لذا مهمترین و جامع‌ترین فلسفهٔ بعثت، همانا دعوت به خداوند متعال است.

## تکامل انسان

در جهان بینی الهی، فلسفه وحی و نبوت، بر سه اصل اساسی استوار است:

اصل اول: فلسفه آفرینش انسان، تکامل اوست؛

اصل دوم: راهنمای تکامل، در متن وجود انسان نیست؛

اصل سوم: تنها آفریدگار جهان، می‌تواند برنامه تکامل انسان را ارائه نماید؛ زیرا تنها اوست که استعداد و نیازهای انسان را کاملاً می‌شناسد و با همه دقیق برنامه‌های تکامل انسان، آشناست، و از سوی دیگر، نیازی به انسان ندارد تا چیزی که به سود اوست، از او دریغ نماید.

بنابراین، برای این که انسان بتواند به فلسفه آفرینش خود برسد، حکمت بالغه الهی ایجاب می‌کند که راهنمایی برای ارائه برنامه تکامل انسان اعزام نماید؛ زیرا در غیر این صورت، تکامل انسان ممکن نخواهد بود و این، به معنای بی‌هدف بودن آفرینش خواهد بود. به سخن دیگر، انکار وحی و بعثت انبیاء، مساوی است با انکار توحید. از این رو قرآن تصریح می‌فرماید که:

«وما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله علی بشر من شیء»؛ وآنگاه که [یهودیان] گفتند: خداوند، چیزی بر بشری نازل نکرده، بزرگی خدا را چنان که باید، نشناختند. (سوره انعام، آیه ۹۱)

بر این پایه، در یک جمله می‌توان گفت: فلسفه بعثت انبیاء، تکامل انسان و پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی اوست.

سایر اموری که در تبیین حکمت انبیاء در قرآن به آنها اشاره شده است (مانند: رهایی انسان از زنجیرهای درونی و بیرونی، خارج ساختن انسان از تاریکی جهل، آموختن کتاب و حکمت، منور ساختن جهان به نور علم، رشد اخلاقی جامعه و تأمین عدالت اجتماعی) در واقع، فروع اجابت دعوت خدا، و جزئیات اجرای برنامه الهی تکامل انسان، از جانب انبیای الهی (به عنوان نخستین مجریان آن) است.